

مطالعات تاریخ فرهنگی؛ پژوهش‌نامه‌ی انجمن ایرانی تاریخ
سال هشتم، شماره‌ی سی‌ویکم، بهار ۱۳۹۶، صص ۱۵۲-۱۲۹

گفتمان اصلاح معرفت دینی در عصر مشروطه (مطالعه‌ی موردی: روزنامه‌ی *حبل‌المتین* تهران)

قدیر نجف‌زاده شوکی^۱، حسین مفتخری^۲، سعید موسوی سیانی^۳

چکیده

مواجهه‌ی نخبگان ایرانی عصر مشروطه با تمدن غربی زمینه‌ساز فرآیند فرهنگ‌پذیری مفاهیم و دستگاه‌های اندیشه‌ی غربی از سوی اندیشه‌وران این برهه‌ی تاریخی و به تبع آن صورت‌بندی گفتمان‌های سنت‌گرا، تجددگرا و اصلاح معرفت دینی شد. بازتابندگی باورداشت‌های این گفتمان‌ها در زیست‌جهان کنونی ایران ضرورتی حیاتی به بازاندیشی شاخصه‌های گفتمان‌های مزبور می‌دهد. بازشناسی شاخصه‌های گفتمان اصلاح معرفت دینی در روزنامه‌ی *حبل‌المتین* تهران پاسخی بدین ضرورت است. تحلیل انتقادی گفتمان چارچوبی نظری است که با تکیه بر آن از شاخصه‌های گفتمان اصلاح معرفت دینی در روزنامه‌ی *حبل‌المتین* پرده‌برداری می‌کنیم. از کاربست این چارچوب نظری چنین برداشت می‌شود که مؤلفه‌های بافتار تاریخی عصر مشروطه همچون ورود اندیشه‌های جدید، استبداد، استعمار و شکست اصلاحات سیاسی تعیین‌بخش «مناسبات شریعت و تجدد» به‌مثابه‌ی گره‌گاهی بود که گفتمان اصلاح معرفت دینی حول آن مفصل‌بندی شد. احیای آموزه‌های قرآنی، بازگشت به اسلام اصیل، بازتعریف نقش روحانیت، ضرورت وحدت مسلمانان و رعایت حقوق اقلیت‌های دینی مهم‌ترین شاخصه‌های گفتمان اصلاح معرفت دینی در روزنامه‌ی *حبل‌المتین* بود که به

۱. دانشجوی دکتری تاریخ ایران بعد از اسلام، دانشگاه خوارزمی تهران (نویسنده مسئول)
(najafzadehghadir@yahoo.com)

۲. استاد گروه تاریخ، دانشگاه خوارزمی تهران (moftakhari@khu.ac.ir)

۳. دانشجوی دکتری تاریخ اسلام، دانشگاه شیراز (saiedmoosavi_1369@yahoo.com)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱۱/۱۶ تاریخ تأیید: ۱۳۹۶/۹/۱۸

واسطه‌ی کنش بیناگفتمانی جذب عناصر گفتمان‌های سنت‌گرا و تجددگرا حول
گره‌گاه «مناسبات شریعت و تجدد» مفصل‌بندی شد.

واژه‌های کلیدی: گفتمان اصلاح معرفت دینی، روزنامه‌ی *حبل‌المتین* تهران، تحلیل
انتقادی گفتمان، مناسبات شریعت و تجدد، مشروطه، مطبوعات

مقدمه

جذب عناصر فرهنگی مدرنیته نقطه‌ی عطفی در تاریخ ایران معاصر است، پدیده‌ای که
زمینه‌ساز ظهور جریان‌های اندیشه و اندیشه‌ورانی شد که در مقام تبیین و نقد آرمان‌های
مشروطه و سازوکارهای تحقق این آرمان‌ها و گذار به دنیای جدید قرار گرفتند.
گفتمان‌های سنت‌گرا، تجددگرا و اصلاح معرفت دینی مهم‌ترین این جریان‌های اندیشه
بودند که به صورت‌بندی و مفصل‌بندی ایده‌ها و مواضع خود حول محور مشروطه و شرایط
گذار از سنت به تجدد پرداختند. در این میان گفتمان اصلاح معرفت دینی به جهت نقشی
که در تحولات آن برهه‌ی تاریخی داشت و همچنین بازتولید ایده‌هایش در زیست‌جهان
کنونی ایران از اهمیت دوچندانی برخوردار است، چراکه تبارشناسی ایده‌های این گفتمان
امکان درک صحیح‌تر از منطق کشمکش‌های گفتمانی آن برهه‌ی تاریخی را فراهم نموده و
متعاقب آن زمینه‌ساز درک جامع‌تر از تحولات سیاسی و اجتماعی جامعه‌ی کنونی ایران
می‌شود. این کارویژه به بازشناسی و بازاندیشی شاخصه‌های این گفتمان و مؤلفه‌های
تعین‌بخش این شاخصه‌ها ضرورتی حیاتی می‌دهد. با عطف نظر بدین مهم است که در
مقاله‌ی پیش‌رو به بررسی گفتمان اصلاح معرفت دینی در عصر مشروطه دست می‌یازیم.
در این راستا بازشناسی گفتمان روزنامه‌ی *حبل‌المتین* تهران، به مثابه‌ی یکی از کاربران
گفتمان اصلاح معرفت دینی، موضوع محوری مقاله را تشکیل می‌دهد. البته پیش از ورود
به موضوع و به منظور درک عمیق‌تر از مسئله‌ی مقاله و ایجاد زمینه جهت فهم دقیق‌تر از
شاخصه‌های گفتمان اصلاح معرفت دینی، به ایضاح مفهوم «بازاندیشی گفتمان اصلاح
معرفت دینی» در مقاله‌ی پیش‌رو می‌پردازیم.

«بازشناسی گفتمان اصلاح معرفت دینی» مفهومی مرکب است که ایضاح آن منوط به

ایضاح مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده‌اش است. به تعبیر دیگر ایضاح منظور ما از این مفهوم و به تبع آن درک مسئله‌ی مقاله مشروط به شرح سه مؤلفه‌ی «گفتمان»، «بازشناسی گفتمان» و «اصلاح معرفت دینی» است. مؤلفه‌هایی که در ادامه به تشریح آنها می‌پردازیم. بنا به تعریف فوکو، گفتمان مجموعه گزاره‌هایی است که به زبان امکان می‌دهد درباره‌ی موضوعی خاص در لحظه‌ی تاریخی خاصی سخن بگوید یا دانش مربوط به آن موضوع را به گونه‌ای بازنمایی کند.^۱ در اینجا منظور او از گفتمان نظامی است که شیوه‌ی ادراک انسان از واقعیت را تعیین و آن را مقید و محدود می‌کند.^۲ در واقع گفتمان روش‌های بودن در جهان یا صورت‌های زندگی است که واژه‌ها، کنش‌ها، ارزش‌ها، باورها، ایستارها و هویت‌های اجتماعی را در هم ادغام می‌کند.^۳ در این تلقی، گفتمان شیوه‌ای خاص برای سخن گفتن درباره‌ی جهان و فهم آن یا یکی از وجوه آن است. به زبانی دقیق‌تر منظور از گفتمان این است که زبان در چارچوب قالب‌هایی ساختاربندی شده و انسان‌ها به هنگام مشارکت در حوزه‌های مختلف حیات اجتماعی در گفتار خود از این قالب‌ها تبعیت می‌کنند.^۴ با عطف نظر به این تعریف از مفهوم «گفتمان»، «بازشناسی گفتمان» رهیافتی در شناسایی همان قالب‌های مورد استفاده در گفتار و کردار آدمیان است.^۵ اما منظور از اصلاح معرفت دینی بازگشت به کلام خداوند و متن مقدس و پیراستن دین از زوائد و غباری است که به مرور زمان بر چهره‌ی آن نشست است. به تعبیر دقیق‌تر، کاربران گفتمان اصلاح معرفت دینی به دنبال فرارفتن از تفسیر تحت‌اللفظی قرآن کریم و دیگر نصوص دینی، عقل‌گرایی در فهم آیات و روایات و به تبع آن مبارزه با خرافات و بدعت‌های دینی

۱. هال، استیوئرت، (۱۳۹۱)، معنای فرهنگ و زندگی اجتماعی، ترجمه احمد گل‌محمدی، تهران: نی، ص.

۸۵.

۲. قهرمانی، مریم، (۱۳۹۲)، ترجمه و تحلیل انتقادی گفتمان: رویکرد نشانه‌شناختی، تهران: مؤلف، ص. ۲۹.

3. Kramsch, Claire, (1998), *Language and Culture*, New York: Oxford University Press, p. 61.

۴. یورگنسن، ماریا، و فیلیپس، لوئیز، (۱۳۹۲)، نظریه و روش در تحلیل گفتمان، ترجمه هادی جلیلی،

تهران: نی، ص. ۱۷.

۵. همان، ص. ۱۸.

عارض شده بر اسلام اصیل و اولیه، مراجعه مستقیم به آیات قرآن و نقد جدی بر اسلام تاریخی بودند.

حال بر اساس تحلیل و تعریفی که از مفاهیم مسئله‌ی مقاله دادیم، بازشناسی گفتمان اصلاح معرفت دینی بازشناسی یک چنین پیش‌پنداشت‌ها، مفاهیم و قالب‌های اندیشگی است که کاربران گفتمان اصلاح معرفت دینی بر اساس آن به تولید آرای معرفتی خود پرداخته‌اند. مقاله به منظور محقق نمودن این هدف به «تعبیه سازوکار مناسب و اعمال آن در کشف و تبیین ارتباط متن با کارکردهای فکری و اجتماعی آن» می‌پردازد.^۱ بر این اساس است که در ادامه به بازشناسی شاخصه‌های گفتمان اصلاح معرفت دینی می‌پردازیم. بدین منظور در نخستین گام به تشریح آن دسته از مؤلفه‌های بافتار تاریخی مشروطه که تعیین‌بخش گره‌گاه گفتمان اصلاح معرفت دینی بوده می‌نشینیم. سپس از رهگذر بازنمود گره‌گاهی که گفتمان اصلاح معرفت دینی و سایر گفتمان‌ها حول آن مفصل‌بندی شده‌اند، به بازشناسی شاخصه‌های گفتمان اصلاح معرفت دینی در روزنامه‌ی *حبل‌المتین* می‌پردازیم.

۱. نقش مؤلفه‌های بافتار تاریخی عصر مشروطه در تعیین گره‌گاه گفتمان اصلاح معرفت دینی

اگر بپذیریم که دعاوی معرفتی ذاتی ذهن انسان نیستند، بلکه بازتاب یکی از شیوه‌های کلی وجود آدمی هستند، در آن صورت شناخت به فعالیتی منفعتی مبدل می‌شود که صرفاً محصول علایق و منافع ما در واقعیت است. در واقع از این طریق است که کارگزاران انسانی با حک کردن اهداف و نیازهایشان بر واقعیت قادر به اعمال و تداوم کنش‌های خود می‌شوند. به بیانی روشن‌تر، کنش‌های معرفتی ما از این طریق به برآورده کردن کارکردهایی همچون تولید و بازتولید هویت فردی و جمعی، ایجاد حسی معنادار از هستی، برقراری نظم اجتماعی، مشروعیت‌زایی یا مشروعیت‌زدایی از اقتدار رسمی و... می‌پردازند.^۲ گفتمان

۱. یارمحمدی، لطف‌الله، (۱۳۸۳)، *گفتمان‌شناسی رایج و انتقادی*، تهران: هرمس، ص. ۱۶۵.

۲. مک‌کارتی، ای. دی.، (۱۳۸۸)، *معرفت به مثابه‌ی فرهنگ*، ترجمه کمال خالق‌پناه و دیگران، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی، صص. ۲۲-۲۴.

گفتمان اصلاح معرفت دینی در عصر مشروطه (مطالعه‌ی موردی: روزنامه حبل‌المتین | ۱۳۳

اصلاح معرفت دینی نیز از این قاعده‌ی مسلم فرض شده مستثنی نیست. کاربران این گفتمان در درون یک بافتار تاریخی و متأثر از دشواره‌های این بافتار است که پرکتیسی‌های گفتمانی خود را صورت داده‌اند و بدین واسطه در جهت تحقق مطلوب‌های سیاسی و اجتماعی خود قدم برداشته‌اند.

در تلقی نگارندگان، دشواره‌های بافتار تاریخی عصر مشروطه گره‌گاه گفتمان اصلاح معرفت دینی را متعین نمود و این گفتمان حول محور این گره‌گاه مفصل‌بندی شد. در اینجا منظور از گره‌گاه نشانه‌های ممتازی است که سایر نشانه‌ها حول آن منظم می‌شوند. در این فرآیند پدید آمدن گفتمان حول گره‌گاه است که نشانه‌ها معنای خود را پیدا می‌کنند. در واقع نشانه‌های یک گفتمان از طریق رابطه‌شان با گره‌گاه است که معانی خود را به دست می‌آورند.^۱ حال اگر بپذیریم که هر گفتمان از طریق تثبیت نسبی معنا حول گره‌گاه‌هایی خاص شکل می‌گیرد و این گره‌گاه خود از سوی دشواره‌های بافتار تاریخی تعیین می‌یابد، آنگاه پرده‌برداری از این دشواره‌های بافتار تاریخی عصر مشروطه، به ویژه از حیث نقشی که در تعیین گره‌گاه گفتمان اصلاح معرفت دینی داشته، شرطی ضروری در بازشناسی شاخصه‌های این گفتمان است.

به نظر می‌رسد «مناسبات شریعت و تجدد» گره‌گاهی بود که گفتمان اصلاح معرفت دینی حول آن صورت‌بندی شد. در واقع کاربران این گفتمان همانند سایر نخبگان ایران اواخر قرن نوزدهم در صدد برآمدند تا نسبت میان مقولات و مفاهیم تمدن غربی، همچون مدرنیسم و فردگرایی، سکولاریسم، اومانیزم، مشروطه، مجلس، تفکیک قوا، قرارداد اجتماعی، حقوق بشر، روشنفکری، فناوری و... را با آموزه‌ها و تعالیم اسلامی روشن سازند و موارد رد، پذیرش و گزینش آنها را مشخص کنند. به همین دلیل در ایران و سایر جوامع اسلامی برای توضیح این مقولات و نشان دادن انطباق، اشتراک و افتراق آنها با دین و مذهب و متعاقب آن اتخاذ مواضع موافق و یا مخالف تلاش‌های بسیاری صورت گرفت.^۲ آنچه این گره‌گاه را برای کاربران گفتمان اصلاح معرفت دینی تعیین کرد دسته‌ای از

۱. نظریه و روش در تحلیل گفتمان، ص. ۵۷.

۲. قادری، حاتم، (۱۳۸۲)، تاریخ اندیشه سیاسی در اسلام و ایران، تهران: سمت، ص. ۱۹۹.

تحولات در تاریخ ایران معاصر بود که می‌توان آنها را ذیل مقولات فساد و زوال داخلی جوامع اسلامی (استبداد) و گسترش نفوذ قدرت‌های غربی (استعمار) قرار داد. تحولاتی همچون افزایش تماس با غرب از عهد صفویه، پیامدهای ناگوار چندین جنگ با روسیه، کوشش‌های نافرجام اصلاحگرانی همچون امیرکبیر، تأسیس چاپخانه، اعزام دانشجو به خارج و سرانجام نفوذ افکار و ایده‌های روشنفکرانه از غرب زمینه‌های به چالش کشیده شدن تلقی سنت‌گرا از دین را موجب شد و ضمن متأثر ساختن نخبگان، ایشان را متوجه دو مقوله‌ی استبداد و استعمار کرد. از رهگذر فشارهای استبداد داخلی و استعمار خارجی بود که نخبگان ایرانی، طی یک فرآیند فرهنگ‌پذیری، تغییر و تحولاتی را که در جامعه اروپا در زمینه‌های گوناگون تحت تأثیر عصر روشنگری پدید آمده بود جذب کردند. به نحوی که تحت تأثیر جذب این عناصر فرهنگی پدیده استبداد و خودکامگی حاکمان نیز به چالش کشیده شد.

در این میان وقوع انقلاب مشروطه نخبگان و علمای شیعه‌مذهب را برای نخستین بار با نیازهای دموکراتیک عصر جدید مواجه ساخت. انقلاب مشروطه نمایانگر نخستین مواجهه‌ی مستقیم فرهنگ سنتی اسلام با غرب بود، چراکه تا پیش از آن نوسازی‌های انجام‌شده در نظام اداری، حقوقی و حکومتی در مسیری جریان یافته بود که در تعارض با فرهنگ سنتی اسلام قرار نداشت. فحوای بسیاری از ایده‌های مشروطیت هماهنگی و انسجام باورداشت‌های سنتی را به چالش می‌کشید. در نتیجه‌ی این شرایط، در افکار و اذهان برخی از اندیشمندان ایرانی شک و تردیدهایی درباره برداشت‌های دینی‌شان ظاهر شد. به همین سبب شکاف و کشمکشی‌گفتمانی در میان نخبگان جامعه پدید آمد^۱ که در نهایت به صورت‌بندی سه‌گفتمان انجامید.

نخستین گفتمان دیدگاه نخبگانی بود که در نگاه ویژه‌ی خود به سنت غربی و مفاهیم و آموزه‌های آن، با پافشاری بر شریعت اسلامی و قرائت سنتی از اسلام، سنت غربی را یکسره جریانی منحرف و در وادی گمراهی ارزیابی می‌کردند. این گروه، که می‌توان از آنها

۱. عنایت، حمید، (۱۳۷۲)، *اندیشه‌ی سیاسی در اسلام معاصر*، ترجمه بهاء‌الدین خرمشاهی، تهران: خوارزمی، صص. ۲۷۷-۲۵۸.

گفتمان اصلاح معرفت دینی در عصر مشروطه (مطالعه‌ی موردی: روزنامه حبل‌المتین | ۱۳۵

با عنوان کاربران گفتمان سنت‌گرا یا شریعت‌گرا یاد کرد، چشم خود را بر تحولات جدید بستند و به جای شناخت غرب یکسره به رد و انکار آن پای فشردند و بر ضرورت ستیز با هر آنچه رنگ نو و نشان فرنگی داشت تأکید ورزیدند.^۱ ایشان عرفی‌سازی سیاست و مدیریت جامعه یا به تعبیر دیگر نقش عقلانیت بشری و مادی در تدوین قوانین را ناقض دین می‌دانستند و تنها معتقد به یک عقل یعنی عقل الهی و یک قانون یعنی قانون شرعی بودند.^۲ تعارض تفوق اسلامی با برابری همه‌ی شهروندان ایرانی در برابر قانون، صرف‌نظر از مذهبشان، قابل قبول نبودن آموزش اجباری دختران و تأثیر مخرب آزادی مطبوعات از جهت گسترش افکار الحادی بیگانه مصادیقی از انتقادهایی بود که سنت‌گرایان نسبت به مشروطه مطرح می‌کردند.^۳

دومین واکنش از سوی گفتمان تجددخواه ارائه شد. کاربران این گفتمان علت عقب‌ماندگی جوامع اسلامی را در دین اسلام می‌جستند و آن را دینی معرفی می‌کردند که مخالف فلسفه و عقل و مروج تعبد و تعصب است، و راه برون‌رفت از این مشکل را کنار نهادن دین و آیین خویش به ویژه ترک اسلام فقهتی و آموزه‌های آن می‌دانستند. آنها تأکید داشتند که بدون الگوبرداری نظری و عملی از غرب نمی‌توان به رشد و نوسازی رسید. کاربران این گفتمان تنها راه رسیدن به مدرنیته را عبور از سنت و پشت پا زدن به آن می‌دانستند.^۴ تقی‌زاده مهم‌ترین کاربر این گفتمان بود.

در مقابل این دو گفتمان جریان سومی شکل گرفت که در این مقاله نام «گفتمان اصلاح معرفت دینی» بدان داده شده است. البته از ایشان با نام نوگرایان دینی نیز یاد می‌شود. ایده‌ها و پاسخ‌های گفتمان اصلاح معرفت دینی حاصل تألیف عناصر گفتمان‌های سنت‌گرا و تجددگرا بود. کاربران گفتمان اصلاح معرفت دینی کنشی بیناگفتمانی صورت دادند و

۱. راوندی، مرتضی، (۱۳۷۸)، *تاریخ اجتماعی ایران*، ج. ۲، تهران: نگاه، ص. ۵۷۴.

۲. رهبری، مهدی، (۱۳۸۷)، «روحانیت، انقلاب مشروطه و ستیز میان سنت و تجدد»، *دانش سیاسی*، س.

۴، ش. ۱، بهار و تابستان ۱۳۸۷، ص. ۱۰۳.

۳. *اندیشه‌ی سیاسی در اسلام معاصر*، ص. ۲۸۷.

۴. شیرخانی، علی، و رجائی‌نژاد، محمد، «درآمدی بر رابطه سنت و تجدد در اندیشه و عمل امام خمینی»،

مطالعات سیاسی، ش. ۲۸، تابستان ۱۳۹۴، صص. ۱۱۳-۱۰۰.

کوشیدند با جذب عناصر مطلوب خود از دو گفتمان رقیب پاسخی درخور برای گره‌گاه «مناسبات شریعت و تجدد» بیابند. آنان دریافتند که تنها در صورتی می‌توان به این نیازهای جدید پاسخی درخور داد که بر بی‌حرکی جاگیرشده در اذهان مردم، که بر اثر تلقین‌های ایدئولوژیک در حمایت از دولت شکل گرفته بود، فائق آیند. در نهایت، باز شدن فضای سیاسی ایران از اواخر قرن نوزدهم ضرورت پاسخ‌گویی به انتقادات اهل سنت نسبت به تشیع و حضور فعال ایدئولوژی‌های عرفی و سکولار این دست از نخبگان را به سوی بازاندیشی در میراث شیعی، البته با هدف تطابق با شرایط و مسائل جدید، سوق داد.^۱

این اقدام ایشان کنشی بیناگفتمانی بود که با جذب عناصر مطلوب دو گفتمان سنت‌گرا و تجددخواه محقق شد. کاربران این گفتمان در آسیب‌شناسی خود از جامعه‌ی ایرانی به پدیده‌ی جذب عقاید زائد و منحط در دین ارجاع می‌دادند و بازگشت به اسلام اصیل را راه نجات و برون‌رفت از شرایط بحرانی نیمه‌ی دوم قرن نوزدهم می‌دانستند. از سوی دیگر، با اتخاذ رویکردی مثبت به مفاهیم و آموزه‌های سنت غربی قرائتی نو از اسلام عرضه کردند که نتیجه‌ی آن به نیکی یاد کردن از آن مفاهیم تازه بود. خلاصه آن که ایشان با هدف تطبیق عقلانی دین با مقتضیات جدید و به منظور دست‌یابی به نیکبختی، به نوآوری در مدرنیته دست زدند و در صدد انطباق آن با دین برآمدند. سید جمال، نائینی، ملا عبدالرسول کاشانی و شیخ هادی نجم‌آبادی از مهم‌ترین کاربران این گفتمان بودند.^۲ *الجمال* و *روح‌القدس* مهم‌ترین روزنامه‌هایی بودند که شاخصه‌های گفتمان اصلاح معرفت دینی در آنها تجلی یافته است.

روزنامه‌ی *الجمال* به مثابه‌ی یکی از کاربران این گفتمان کوشید تا ضمن طرح شعار بازگشت به اسلام اصیل^۳ و آموزه‌های قرآنی^۴، با روی باز‌پذیرای عناصر مطلوبش از

۱. *اندیشه‌ی سیاسی در اسلام معاصر*، ص. ۲۸۱.

۲. «روحانیت، انقلاب مشروطه و ستیز میان سنت و تجدد»، صص. ۱۱۶-۱۱۱.

۳. *الجمال*، س. ۱، ش. ۱، ص. ۱؛ ش. ۲، ص. ۲، «بقیه مساوات»؛ ش. ۶، ص. ۳، «در معنی حریت»؛ ش. ۱۲، ص. ۳، «بقیه امتیاز فضلی از مواعظ آقای سید جمال‌الدین»؛ ش. ۲۶، ص. ۲، «بقیه مواعظ آقای سید جمال‌الدین در قرآن».

۴. همان، ش. ۹، ص. ۱، «در معنی آزادی»؛ ش. ۳۰، ص. ۲، «بقیه مواعظ آقای سید جمال‌الدین»؛ ش. ۳۲، ص. ۳، «بقیه مواعظ آقای سید جمال‌الدین در معنی حقوق».

گفتمان اصلاح معرفت دینی در عصر مشروطه (مطالعه‌ی موردی: روزنامه حبل‌المتین | ۱۳۷

دنیا‌ی مدرن باشد. در همین راستا بود که مفاهیمی همچون آزادی بیان،^۱ آزادی عقیده،^۲ علم‌گرایی^۳ و قانون‌گرایی^۴ را با تعبیر قرآنی تأیید و تشریح نمود. نتیجه آن که روزنامه‌ی *الجمال*، به‌مثابه‌ی یکی از کاربران گفتمان اصلاح معرفت دینی کنش بیناگفتمانی، جذب عناصر مطلوب‌بیش از گفتمان‌های سنت‌گرا و تجددخواه را رهبرانی مناسب در پاسخ به دشواری‌های زمانه‌ی خود می‌دید. این روزنامه با چنین سبکی منشور حقوق بشر فرانسوی را تشریح کرد، ولی به دلیل شرایط خاص آن دوره آن را با روایت بومی بیان نمود و با دین و فرهنگ عامه‌ی مردم سازگار کرد.^۵ از دیگر شاخصه‌های مهم روزنامه‌ی *الجمال* مبارزه با روحانیون قشری‌مذهب بود.^۶

روزنامه *روح‌القدس* نیز ضمن پرداختن به مبحث روحانیت در جریان اصلاح فکر دینی در صدد آن بود که به شناسایی گروه عالم‌نماها و شبه‌روحانیون از طبقه عالمان حقیقی و مهم‌تر به شناسایی افکار آنها از یکدیگر بپردازد.^۷ در روزنامه *روح‌القدس* نیز مسئله بازگشت به اسلام اصیل به عنوان یکی از مبانی جریان اصلاح فکر دینی مورد توجه قرار گرفته است. شیخ احمد تربتی، مؤلف روزنامه *روح‌القدس*، معتقد بود که دین اسلام یک دین مترقی و عقلانی است و به سبب همین عقلانی بودن قابلیت انطباق با هر عصری را دارد.^۸

-
۱. همان، ش. ۱۰، ص. ۲، «بقیه مواعظ آقای سید جمال‌الدین در معنی آزادی کلام و آزادی قلم»، ش. ۲۴، ص. ۳، «بقیه مواعظ آقای سید جمال‌الدین».
 ۲. همان، ش. ۲، ص. ۲، «بقیه مساوات»، ش. ۳۲، ص. ۱، «بقیه مواعظ آقای سید جمال‌الدین در معنی حقوق».
 ۳. همان، ش. ۲۶، ص. ۲، «بقیه مواعظ آقای سید جمال‌الدین در قرآن».
 ۴. همان، ش. ۳، ص. ۱، «بقیه مساوات»، ش. ۶، ص. ۲، «در معنی حریت»، ش. ۱۲، ص. ۳، «بقیه امتیاز فضلی از مواعظ آقای سید جمال‌الدین».
 ۵. همان، ش. ۲، ص. ۱، «بقیه کدخدا نوروژ»، ش. ۹، ص. ۲، «در معنی آزادی».
 ۶. ش. ۲۳، ص. ۲، «بقیه مواعظ آقای سید جمال‌الدین واعظ درباره حقوق»، ش. ۳۰، ص. ۳، «بقیه مواعظ آقای سید جمال‌الدین».
 ۷. *روح‌القدس*، ۲۸ محرم ۱۳۲۶، ش. ۱۸، ص. ۲، «تقسیم استبداد یا تجزیه سلطنت»، ۲۲ رجب ۱۳۲۵، ش. ۴، ص. ۲، «جزای خائن».
 ۸. همان، ۱۱ رجب ۱۳۲۵، ش. ۳، ص. ۴، «خدمات بی نتیجه یا زحمات بی حاصل».

روزنامه از وضعیت رکود و انحطاط اسلام در عصر جدید ناخرسند و معتقد بود که اسلام موجود و آموزه‌های آن تفاوت زیادی با اسلام آرمانی و مطلوب دارد.^۱ روح‌القدس دین اسلام را جامع و کامل می‌دانست و این که برای خروج از وضعیت نابسامان مسلمانان در عصر جدید باید هر چه زودتر دوباره به آموزه‌های اصیل اسلامی به دور از هر گونه تحریف بازگشت.^۲

۲. شاخصه‌های گفتمان اصلاح معرفت دینی در روزنامه‌ی *حبل‌المتین*

با پیروزی انقلاب مشروطه به دلیل اندک مجالی که در زمینه‌های مختلف و از جمله برای مطبوعات ایجاد شده بود شاهد پیشرفت چشمگیر چاپ و انتشار مطبوعات در ایران هستیم. انتشار روزنامه‌های متعدد در عصر مشروطه در تهران، از یک سو، و دیر رسیدن روزنامه‌ی *حبل‌المتین* کلکته به ایران به دلیل دوری راه، از سوی دیگر، باعث شده بود که روزنامه‌ی *حبل‌المتین* کلکته تازگی خود را از دست بدهد. به همین علت، روزنامه‌ی *حبل‌المتین* تهران به عنوان شاخه‌ای از *حبل‌المتین* کلکته ایجاد شد.^۳ این روزنامه با مدیریت سید حسن کاشانی در تهران دایر گردید و شماره اول آن در تاریخ ۱۵ ربیع‌الاول ۱۳۲۵ قمری مطابق با ۲۹ آوریل ۱۹۰۷ میلادی منتشر شد.^۴ سید حسن کاشانی توانست در سال اول ۲۷۴ شماره از *حبل‌المتین* را به صورت روزانه منتشر کند و در سال دوم نیز ۵۴ شماره از این روزنامه منتشر شد. اما به توف بستن مجلس اول به دست محمدعلی شاه سبب شد تا سید حسن کاشانی به قفقاز برود و از آنجا قصد کلکته نماید که سید حسن تقی‌زاده او را از این تصمیم منصرف و از او خواست که دوباره به ایران برگردد و فعالیتش را در حوزه روزنامه‌نویسی از سر گیرد. بدین ترتیب، سید حسن به رشت رفت و دنباله سال دوم *حبل‌المتین* تهران را، که ۵۴ شماره از آن را منتشر کرده بود، ادامه داد و از سال سوم

۱. همان، ۱۳ شعبان ۱۳۲۵، ش. ۷، ص. ۱، «مکتوب قزوین».

۲. همان، ۶ صفر ۱۳۲۶، ش. ۱۹، ص. ۲ × «تقسیم استبداد یا تجزیه سلطنت».

۳. کسروی، احمد، (۱۳۶۳)، *تاریخ مشروطه ایران*، تهران: امیرکبیر، ص. ۳۸۱.

۴. کهن، گوئل، (۱۳۶۳)، *تاریخ سانسور در مطبوعات ایران*، ج. ۱، تهران: آگاه، ص. ۱۱۲.

گفتمان اصلاح معرفت دینی در عصر مشروطه (مطالعه‌ی موردی: روزنامه حبل‌المتین | ۱۳۹

حبل‌المتین یومیه در رشت ۵۸ شماره منتشر شده است. پس از پیروزی مشروطه‌خواهان بر استبداد صغیر، حبل‌المتین از رشت به تهران نقل مکان و دوره جدیدی را در تهران آغاز کرد، ولی این دوره انتشار حبل‌المتین تنها یک هفته دوام آورد و سپس انتشار آن به نایب مدیری سید حسن کاشانی به دلیل محاکمه و زندانی شدن او برای همیشه پایان یافت.^۱

حبل‌المتین تهران روزنامه‌ای وابسته به جریان نواندیشی دینی یا به تعبیر دیگر گفتمان اصلاح معرفت دینی بود که بارزترین مشخصه و نمود آن «انتقاد از وضع موجود» بود. با وجود حمایت روزنامه از انقلاب مشروطه، این انقلابی بودن مانع توجه روزنامه به کاستی‌ها و مشکلات شرایط موجود نشد و دولت‌مردان و مجلسیان را به شدت مورد انتقاد قرار داد و تعارضات و مشکلات جامعه را نیز بررسی کرد. مطالب روزنامه از وضعیت آموزش و پرورش و خط و زبان فارسی گرفته تا وضعیت مجلس و جهل و بی‌خبری مردم و استمرار استبداد و نداشتن بانک ملی و ارتش مجهز و قوی را در بر می‌گرفت.^۲ در ادامه تلاش می‌شود تا شاخصه‌های گفتمان اصلاح معرفت دینی را از طریق بازشناسی این دست از مواضع روزنامه حبل‌المتین بازیابی کنیم. بدین منظور شاخصه‌های گفتمان اصلاح معرفت دینی در قالب پنج محور عمده بررسی می‌شود. محور نخست مواضع روزنامه درباره ضرورت بازگشت دوباره به قرآن و آموزه‌های اصیل آن را تبیین می‌کند؛ در محور دوم، نهاد روحانیت و ارتباط آن با نهاد سیاست بررسی می‌شود؛ در محور سوم، مواضع روزنامه درباره ضرورت بازگشت به اسلام اصیل تشریح می‌شود؛ در محور چهارم، ضرورت وحدت مسلمین تبیین می‌شود؛ و در نهایت در محور پنجم، مسئله ضرورت رعایت حقوق اهل ذمه و اقلیت‌های دینی در جامعه را بررسی می‌نماییم.

۱-۲. ضرورت بازگشت دوباره به قرآن و آموزه‌های اصیل آن

یکی از شاخصه‌های گفتمان اصلاح معرفت دینی بحث بازگشت دوباره به قرآن و احیای آموزه‌های اصیل آن در عصر جدید است. کاربران این گفتمان معتقدند که بعد از سده‌های

۱. صدرهاشمی، محمد، (۱۳۶۳)، تاریخ جراید و مجلات ایران، اصفهان: کمال، صص. ۲۱۲-۲۱۰.

۲. حبل‌المتین تهران، س. ۱، ش. ۱۵۴، ص. ۱، «بشتابید بمیدان جان بازی».

نخست اسلامی قرآن به حاشیه زندگی مسلمانان رانده شده و دیگر آن تأثیر گذشته را در زندگی مسلمانان نداشته است، در حالی که قرآن باید به عنوان یک کتاب هدایت‌کننده همواره در بطن زندگی مسلمانان باشد و مسلمانان با عمل به آموزه‌های آن به رستگاری در هر دو جهان برسند.^۱

کاربران گفتمان اصلاح معرفت دینی همواره میان آشفتگی و وضعیت نابسامان جوامع اسلامی با غفلت از قرآن و عدم توجه به آن یک رابطه متقابل برقرار می‌کنند و تأکید می‌نمایند که پاسخ این نابسامانی‌ها و وضعیت رکود امروز جوامع اسلامی و راه‌های برون‌رفت از آن را باید از قرآن استنباط کرد. روزنامه‌ی *حبل‌المتین* نیز از این قاعده مستثنی نیست، به گونه‌ای که در همان شماره دوم خود جامعه ایران را به یک جامعه ناخوش و مریض حال تشبیه می‌کند و می‌گوید علاج تمام این دردها نیز در قرآن موجود است. اما افسوس می‌خورد از این که مسلمانان این آیات هدایت‌کننده را به پس پشت افکنده‌اند و به آنها توجهی ندارند. در حالی که خداوند به فرموده خود آنها را برای هدایت ما فرستاده است، قلوب ما مسلمانان امروزه به حدی سخت و بی‌حس شده که این آیات هیچ تأثیری در ما ندارند، و باز به فرموده خود قرآن اگر این آیات را بر کوه نازل می‌کردند با تمام سختی و صلابت خود به خضوع و خشوع می‌افتادند ولی ما انسان‌ها از این آیات متنبیه نمی‌شویم.^۲

حبل‌المتین در ادامه‌ی آسیب‌شناسی خود از رکود جامعه‌ی ایران و سایر جوامع اسلامی بیان می‌دارد که قرآن دیگر همانند اوایل صدر اسلام در بطن زندگی مسلمانان حضور ندارد و امروز ما بیشتر به ظاهر آیات و روایات توجه می‌کنیم و اصلاً توجهی به معنا و عمق آنها نداریم. *حبل‌المتین* مانند سایر کاربران گفتمان اصلاح معرفت دینی این برداشت را به چالش می‌کشد که قرآن و دیگر کتب احادیث را برای ما نوشته‌اند که صرفاً نگاهی سطحی به آنها کنیم و فقط عباراتش را بخوانیم و شکل حروف را یاد بگیریم.^۳

۱. همان، س. ۲، ش. ۱، ص. ۷، «امورات ایران».

۲. همان، س. ۱، ش. ۲، ص. ۱، «آیا ایران مریض است؟».

۳. همان، س. ۱، ش. ۲۱۴، ص. ۱، «گفتن و نگفتن یکیست».

گفتمان اصلاح معرفت دینی در عصر مشروطه (مطالعه‌ی موردی: روزنامه حبل‌المتین | ۱۴۱

در ادامه‌ی توصیف خود از توجه مسلمانان به ظاهر قرآن و عدم توجه به عمق و معنای آن، حبل‌المتین بیان می‌دارد که قوانین اسلام و آموزه‌های اصیل قرآنی باعث سعادت دنیا و آخرت می‌شود. علت ترقی آمریکا و اروپا و سبب تنزل مسلمانان در هر خطه دنیا نیز همین اصل است که اروپاییان و آمریکاییان، با وجود نداشتن اعتقاد مذهبی، به قانون شرع مقدس اسلام رفتار می‌کنند، ولی مسلمانان با این که اعتقاد مذهبی دارند به آن عمل نمی‌کنند.^۱ این شاخصه را در جاهای مختلف می‌توان نشان داد.

تلقی گفتمان اصلاح معرفت دینی در همسان‌انگاری آموزه‌های قرآنی با علل توسعه‌ی جوامع غربی را می‌توان به وضوح از طریق تأکید روزنامه‌ی حبل‌المتین بر یکسان‌انگاری اصول مشروطه با آموزه‌های قرآن استنباط کرد. پاسخی که حبل‌المتین به ادعای سنت‌گرایان مبنی بر غربی و غیراسلامی بودن اصول مشروطه می‌دهد مؤید این ادعاست. در مناظرات فکری میان مشروطه‌خواهان و مشروعه‌خواهان، سنت‌گرایانی همچون شیخ فضل‌الله نوری معتقد بودند که بحث‌های مربوط به مشروطه‌خواهی از ممالک فرنگ به جوامع اسلامی آمده است. اما حبل‌المتین در پاسخ به این ادعا تأکید می‌نماید که اصول فکری مشروطه‌خواهان مثل از میان برداشتن حکومت استبدادی و برقراری نظام مشروطه از دول فرنگ به جوامع اسلامی سرایت نکرده بلکه این اصول و قوانین در هزار و سیصد سال پیش توسط پیامبر اسلام گفته شده و در کتاب قانون شریعت مقدس اسلام یعنی قرآن نیز آمده است.^۲ در این راستا، روزنامه به آیاتی از قرآن کریم که مخالف نظام استبدادی مورد تأیید شیخ و موافق نظام مشروطه است اشاره می‌کند.^۳ روزنامه سعی می‌کند با برشمردن صفات قرآنی به تأیید حکومت مشروطه و نفی نظام استبدادی بپردازد و در عین حال توجه همگان را به قرآن و آموزه‌های اصیل آن جلب کند.

۱. همان، س. ۱، ش. ۱۶، ص. ۱، «چرا اسلام ضعیف شد؟».

۲. همان، س. ۱، ش. ۲۶۲، ص. ۱، «اجرای قانون».

۳. همان، س. ۱، ش. ۸۳، ص. ۲، «رفع اشتباه».

۲-۲. نهاد روحانیت و ارتباط آن با نهاد سیاست

انتقاد از نهاد روحانیت و بازنگری در وظایف و کارکردهای آن از دیگر شاخصه‌های گفتمان اصلاح معرفت دینی است. همزمان با مطرح شدن جریان اصلاح معرفت دینی در عصر جدید، نهاد روحانیت به دلیل استقلال خود از دولت از قدرت زیادی برخوردار بود و میزان نفوذ و اعتبار این گروه در میان مردم بسیار زیاد و قابل توجه بود. به همین دلیل، معتقدان به جریان اصلاح فکر دینی و شخص سید جمال‌الدین اسدآبادی در صدد بودند تا از این ظرفیت مهم برای اصلاح معارف دینی در جامعه استفاده کنند. بنابراین کاربران گفتمان اصلاح معرفت دینی همچون روزنامه‌ی *حبل‌المتین* در صدد برآمدند تا از نفوذ بالای نهاد روحانیت در جامعه بهره ببرند و با همراهی و همکاری این گروه به پیشبرد اهداف اصلاحی خود در جامعه بپردازند.

حبل‌المتین در توصیف اهمیت و جایگاه نهاد روحانیت به نقش بنیادینی که آنها در راه پیشرفت یا عقب‌ماندگی جامعه دارند اشاره و تصریح می‌کند که در دنیا هیچ چیز برای یک ملت همچون رؤسای روحانی مفید یا مضر نیست. چون اگر میل این گروه از رهبران روحانی به طرف اصلاح متوجه شود در مدتی کوتاه آثار رستگاری و نجات برای آن ملت حاصل می‌شود، اما اگر گرایش این طبقه به سوی فساد سوق یابد در اندک مدتی نشانه‌های ضعف و نقصان در چهره آن جامعه آشکار می‌گردد.^۱

در تشریح و تبیین این نقش نهاد روحانیت، *حبل‌المتین* به نفوذ طبقه‌ی روحانی در کنش‌های فردی و اجتماعی مردم ارجاع می‌دهد. بر این اساس در ممالک مشرق‌زمین، به دلیل سطح پایین درک مردم، نفوذ طبقه روحانیون بیشتر از سایر مناطق است و لذا مردم در تبعیت از گفتار و اعمال علما و روحانیون جدوجهد بسیار دارند. پس اگر علما ملت را به راه راست هدایت نکنند و تکلیف آنها را معین نکنند و یا از ترقی و پیشرفت مانع شوند تقصیر و گناه بر گردن آنها خواهد بود که وظیفه خود را به درستی ادا نکرده و راه صحیح را نشان نداده‌اند.^۲ متأثر از این اهمیت، آسیب‌شناسی نهاد روحانیت در دستور کار

۱. همان، س. ۱، ش. ۹۱، صص. ۱-۲، «محاکمه حقیقت».

۲. همان، س. ۱، ش. ۶، صص. ۲-۴، «قابل‌ملاحظه علماء اعلام».

حبل‌المتین قرار می‌گیرد.

حبل‌المتین در راستای شاخه‌ها و آرمان‌های گفتمان اصلاح معرفت دینی به آسیب‌شناسی از نهاد روحانیت می‌پردازد. آسیب‌شناسی روزنامه ناظر بر دو حوزه از فعالیت این نهاد شده است: نخست شیوه‌ی ارتزاق ایشان و دوم پیوند ایشان با نهاد سیاست. در انتقاد از شیوه‌ی ارتزاق ایشان بیان می‌دارد که بسیاری از این گروه جز یک ابا و ردا چیزی ندارند، اما با دادن حکم ناحق و همچنین گرفتن رشوه در کمترین زمان ممکن صاحب همه چیز می‌شوند. سپس این پرسش را فراروی مخاطب قرار می‌دهد: آیا واقعاً معصوم اطاعت این بی‌عصمتان را بر ما واجب کرده است؟^۱ حبل‌المتین در راستای انتقاد از پیوند نهاد روحانیت با نهاد سیاست به مفهوم‌شناسی استبداد می‌پردازد و استبداد را تحت دو مقوله‌ی استبداد سیاسی (دولت) و استبداد روحانی (علما) قرار می‌دهد. بر اساس این توضیحات همواره چندین قوه‌ی استبدادی بوده‌اند که باعث سختی و اذیت مردم می‌شدند که یکی از آنها گروه استبداد دولت و دولتیان بود که قوی‌تر از سایر استبدادها بود و شاخه دوم استبداد روحانی بود که همگام با استبداد سیاسی در ولایات قوت و قدرت می‌گرفتند و باعث زحمت برای مردم به بهانه‌های مختلف می‌شدند. حبل‌المتین همچنین معتقد است همان‌طور که قدرت نزد دو شاخه از استبداد روحانی و استبداد جسمانی متمرکز است، اغلب ثروت جامعه نیز نزد این دو شاخه از استبداد وجود دارد، هرچند ثروت شاخه اول از شاخه دوم استبداد کمتر است.^۲

۲-۳. ضرورت بازگشت به اسلام اصیل

رهبران و پیشگامان گفتمان اصلاح معرفت دینی ضمن مقایسه‌ی برداشت خود از اسلام اصیل با اسلام جاری در جامعه تأکید می‌کردند که بسیاری از باورها و آموزه‌های دینی جاری نه تنها منطبق با احکام اسلام اصیل نیست، بلکه در بسیاری از موارد به ضد آن نیز تبدیل شده است. از این رو بازخوانی و بازاندیشی آموزه‌های دینی را ضرورتی

۱. همان، س. ۱، ش. ۱۹۷، ص. ۱، «عالم کیست و شأنش چیست».

۲. همان، س. ۱، ش. ۱۶۱، ص. ۱، «عالم کیست و شأنش چیست».

اجتناب‌ناپذیر در بازگشت دوباره به آموزه‌های اصیل اسلامی تلقی می‌کردند. حضور این شاخصه را به قوت می‌توان در روزنامه‌ی *حبل‌المتین* مشاهده کرد.

حبل‌المتین در راستای انطباق خود با شاخصه‌های گفتمان اصلاح معرفت دینی بدین نکته که احکام الهی تعطیل شده و اسلام غریب و در میان گرگان خون‌خوار اسیر شده و احکام الهی دستخوش هوی و هوس مستبدان قرار گرفته رهنمون می‌شود. روزنامه بیان می‌کند که امروز از اسلام جز نامی باقی نمانده و بسیاری از حرام‌ها، حلال و بسیاری از حلال‌ها نیز حرام شده و چه بسیار بدعت‌هایی که در دین اسلام وارد شده و به اسم شریعت قوانین شرع را پایمال و اسلام را ضعیف و مسلمانان را ذلیل ساخته‌اند.^۱

یکی از آموزه‌های اسلامی که به فراخور شرایط زمانه مورد توجه گفتمان اصلاح معرفت دینی قرار گرفت اصل جهاد بود. این اهمیت اصل جهاد اسلامی در گفتمان اصلاح معرفت دینی به سبب شرایط و نیاز روز جامعه اسلامی بود. چون در دوره‌ای که جوامع اسلامی به شدت درگیر استبداد و هجوم همه‌جانبه استعمار بودند ضرورت به‌کارگیری اصل جهاد اسلامی بیش از هر زمان دیگری نیاز مبرم جامعه اسلامی می‌نمود. از این رو روزنامه به منظور بازتولید این آموزه به نقل و تشریح آیاتی از قرآن و احادیثی از معصومان می‌پردازد تا بدین واسطه تأثیر پذیرش مطلب خود را برای مخاطب بیش از پیش کند. روزنامه ضمن تأسی به آیات قرآن بیان می‌کند که جهاد در راه حفظ حدود و ثغور اسلام و دفاع از اسلام به حدی واجب و لازم است که حتی باید بر زن و بچه و برادر و خواهر و پدر و مادر و مال و منال و تجارت و... مقدم باشد و حتی اگر همه آنها در شرایط نامساعدی باشند هیچ کدام از این شرایط اصل جهاد را ساقط نمی‌کند.^۲ البته خوانش انقلابی گفتمان اصلاح معرفت دینی از آموزه‌های اسلامی به اصولی چون جهاد خلاصه نشد، بلکه کاربران این گفتمان کوشیدند تا با قرائتی نوین از حوادثی چون قیام امام حسین پویایی مورد نظر خود را به آموزه‌های اسلامی بدمند.

۱. همان، س. ۱، ش. ۹۳، ص. ۲، «اسلام چه می‌گوید».

۲. همان، س. ۱، ش. ۱۵۵، ص. ۱، «میدان جان بازی».

گفتمان اصلاح معرفت دینی در عصر مشروطه (مطالعه‌ی موردی: روزنامه حبل‌المتین | ۱۴۵

از اواخر قرن نوزدهم و به دنبال فعالیت‌های تجددخواهانه‌ی اندیشه‌ورانی همچون سید جمال‌الدین اسدآبادی و محمد عبده بسیاری از رویدادهای تاریخی اسلام همچون معنا و ماهیت قیام امام حسین مورد تجدیدنظر قرار گرفت.^۱ تا پیش از فعالیت‌های این دست از کاربران اصلاح معرفت دینی گرایش غالب شیعه به شیوه‌ی تسلیم‌طلبانه‌ی تقیه و تن دادن به نظام حاکم بود. از این رو اکثر علمای شیعه تنها هدف از عزاداری قیام امام حسین را گریه برای مجاهدت ایشان و ارائه‌ی روایتی سوگوارانه از وقایع کربلا می‌دانستند. در مقابل نواندیشان کوشیدند تا از نیروی نهفته در این واقعه همچون ابزار برای ارشاد و آگاهی‌یابی سیاسی بهره ببرند.^۲ این خوانش انقلابی از واقعه‌ی کربلا را در گفتمان اصلاح‌گرایانه‌ی روزنامه‌ی حبل‌المتین می‌توان به وضوح مشاهده کرد. روزنامه پیام حضرت سیدالشهدا برای ما را چنین می‌داند:

ای شیعیان من، اگر وقتی توانستید که از ظلم حکام جور رهایی یافته در سایه عدالت و مشروطیت آبی به آسایش بخورید آن وقت به یاد آورید مرا ... و اگر با آن همه زحمات و مصائب که من در راه قدرت اتفاق و اخوت اسلامی کشیدم باز بشنوید که در روی زمین یک نفر مسلمان غریب مانده یا در تمام کره ارض مسلمی در دست کافری شهید گردید آن وقت زارزار بر من و مقاصد اسلام پرورانه گریه کنید زیرا که اگر کل ساکنین دنیا بر وفق اهتمامات جان‌سپارانه ما در ظل لوای اخوت و دیانت اسلامیة مجتمع و متفق بودندی هرگز مسلمانی در دنیا غریب نبودى و هرگز دشمن برای اسلام پیدا نشدى که مسلمی را شهید نماید.^۳

۲-۴. ضرورت ایجاد وحدت و همبستگی میان مسلمانان

یکی دیگر از شاخصه‌ها و اصول گفتمان اصلاح معرفت دینی ایجاد وحدت و همبستگی میان مسلمانان بود. بنا به تلقی برخی از کاربران گفتمان اصلاح معرفت دینی، راهکار تحقق

۱. اندیشه‌ی سیاسی در اسلام معاصر، ص. ۳۱۶.

۲. همان، صص. ۳۱۴-۳۰۸.

۳. همان، س. ۱، ش. ۲۶۵، ص. ۲، «عزای ملی - قابل ملاحظه اهل منبر».

آرمان خارج ساختن جوامع اسلامی از چنگال استبداد و استعمار وحدت و همبستگی میان مسلمانان بود، که رسیدن به سایر اصول نیز در گرو تحقق این اصل می‌نمود. زیرا در شرایطی که مسلمانان میان خود اختلاف داشته باشند، به جای مصروف داشتن توان خود در مبارزه با استبداد و استعمار، آن را خرج منازعات و درگیری میان خود می‌کنند. به همین جهت پایان دادن به اختلافات میان مسلمانان و ایجاد وحدت و همبستگی میان آنان مبدل به یکی از دشواری‌های رهبران گفتمان اصلاح معرفت دینی شد. دشواری‌ای که در روزنامه‌ی *حبل‌المتین* تهران نیز بازتاب داشت.

حبل‌المتین در شماره‌ای به این مسئله می‌پردازد که دین حنیف اسلام تمام روابط و مسائلی را که موجب ایجاد اختلاف کلمه و جدایی میان مسلمانان شود را از میان برداشته است و از همان صدر اسلام مهاجر و انصار را با یکدیگر یگانه و برادر ساخته، حجازی و عراقی و یمنی را حکم واحد قرار داده است، عرب و عجم و ترک و دیلم را متحد و متفق خواسته، و مهم‌تر از همه شاه و گدا و قریشی و حبشی و زنگی و رومی را بعد از داخل شدن در دین مقدس اسلام مساوی و یکی شمرده است و رشته پایدار محکم میان همه آنها را وحدت دینی قرار داده و به همگی دستور داده که (اعتصموا بحبل الله جمیعاً و لا تفرقوا).^۱ روزنامه در جایی دیگر ضرورت وحدت میان مسلمانان را چنین گوشزد می‌کند:

باز وقت آن نرسیده است که برادرانه سنگ‌های تقار و غرض را از دامن بریزیم و مانند صدر اسلام مسلک اخوت و مساوات را پیشنهاد خود نموده برای حفظ مذهب و استقلال ملیت بکوشیم ... آیا هنوز وقت آن نرسیده ملت با دولت اتفاق و اتحاد واقعی بنمایند و در غم و شادی و رنج و تیمار یکدیگر شریک شوند و به معاضدت و مظاهرت یکدیگر جلوگیری از سیل‌های خانمان‌پرانداز نمایند.^۲

بحث اختلاف میان شیعه و سنی و ضرورت از میان برداشتن این اختلافات یکی از اصول ثابت گفتمان اصلاح معرفت دینی بود که در *حبل‌المتین* بازتابی ویژه یافت. *حبل‌المتین* درگیری‌های میان دو شاخه از اهل اسلام (تشیع و تسنن) را مردود می‌شمارد و معتقد بود

۱. همان، س. ۱، ش. ۱۰۴، ص. ۱، «اخوت اسلامی».

۲. همان، س. ۱، ش. ۱۶۲، ص. ۲، «دفع مخاطرات».

گفتمان اصلاح معرفت دینی در عصر مشروطه (مطالعه‌ی موردی: روزنامه حبل‌المتین | ۱۴۷

که این دو گروه از مسلمانان با یکدیگر برادرند و درگیری آنها به لحاظ شرعی حرام است. روزنامه در جایی دیگر از این اختلافی که میان این دو شاخه اصلی از اسلام و به خصوص در سرحدات میان ایران و عثمانی وجود دارد و از تعصب مذهبی میان این دو گروه ابراز تأسف می‌کند.^۱ روزنامه صلاح و رستگاری همه مسلمانان عالم را به حکم عقل و شرع اتحاد و اتفاق می‌داند، نه درگیری و دشمنی با یکدیگر. و در این باره چنین می‌نویسد:

شیعه و سنی هر دو برادر دینی هستند و هم مسلمان‌اند. اختلاف کلمه یعنی چه. ما را جز اتحاد و اتفاق امروزه چیز دیگر لازم نیست. تکلیف اسلام پرستی ما به تقاضای این عصر که نور مدنیت عالم را احاطه کرده اتحاد است. اتحاد است. اتحاد. اتفاق است. اتفاق است. اتفاق.^۲

۲-۵. رعایت حقوق اهل ذمه و اقلیت‌های دینی در جامعه

حقوق اهل ذمه و اقلیت‌های دینی از دیگر مسائلی بود که در نتیجه‌ی انقلاب مشروطه در فضای فکری جامعه پدید آمده بود. اهمیت این مسئله تا آنجا بود که شاید بتوان آن را یکی از مهم‌ترین دلایل انشقاق و در نهایت درگیری میان دو گروه مشروطه‌خواهان و مشروعه‌خواهان دانست. چنان که بحث مربوط به برابری همه رعایای ایران در مقابل قانون مندرج در قانون اساسی از سوی شیخ فضل‌الله نوری مغایر با قانون اسلام تشخیص داده شد. این مسئله در گفتمان اصلاح معرفت دینی اهمیت بسزایی یافت. زیرا آرمان این گفتمان در رسیدن به اتحاد و یگانگی میان اعضای جامعه و بهره‌مندی از تمام ظرفیت‌های جامعه جهت نیل به پیشرفت بدون درنظر گرفتن حقوق اهل ذمه و اقلیت‌های دینی امکان‌پذیر نبود. به خصوص این که در جامعه‌ای چون ایران از دیرباز به دلیل شرایط مختلف و به ویژه موقعیت جغرافیایی اقلیت‌های مختلف دینی در آن ساکن بودند.^۳ با نظر به اهمیت این مسئله بود که روزنامه‌ی حبل‌المتین به کنشی بیناگفتمانی دست

۱. همان، س. ۱، ش. ۱۹۲، ص. ۱، «وانهم یقولون ما لا یفعلون».

۲. همان، س. ۱، ش. ۲۶۵، ص. ۴، «عزای ملی - قابل توجه اهل منبر».

۳. همان، س. ۱، ش. ۱۴۳، ص. ۲، «نواقص پارلمان».

زد و آرمان‌های تجددگرایان در مورد برابری همه‌ی شهروندان در مقابل قانون را جذب کرد. البته روزنامه همانند سایر کاربران اصلاح معرفت دینی رنگ‌وبویی اسلامی بدین آرمان‌ها داد و چنان برخورد کرد که گویی این آرمان‌ها جزء اصول ذاتی اسلام است. روزنامه درباره رعایت حقوق اهل ذمه در اسلام چنین می‌گوید: «هر کس از مذاهب دیگر که صاحب کتاب باشند در ظل حمایت دین اسلام می‌توانند با کمال خوشی و راحت زندگی کنند اموالشان از تعدی مصون و جان و شرفشان از تعرض محفوظ».^۱

حبل‌المتین پیشرفت ممالک اسلامی در صدر اسلام را نتیجه قانون آزادی عقاید و رعایت حقوق اقلیت‌ها و اهل ذمه در جامعه می‌دانست که یکی از ثمرات آن شکوفایی مراکز علمی و به تبع آن عالم اسلام بود. برداشت *حبل‌المتین* این بود که بر اثر رعایت حقوق اهل ذمه ممالک اسلامی در فاصله زمانی کوتاهی معمور و آباد شدند و مورد حسد ممالک دیگر قرار گرفتند. در زمان خلفای بنی‌عباس و در عصر هارون و مأمون، اقلیت‌های مسیحی و یهودی و مجوس در کمال راحتی بودند و حتی بزرگان این ادیان مورد عنایت خاص خلفا واقع می‌شدند و در نتیجه‌ی این سیاست خلفای عباسی اندیشمندان از همه جا به سوی ممالک اسلامی روی آوردند و کتب مختلف به زبان‌های یونانی و لاتینی و عبری و فارسی را ترجمه کردند و علوم و فنون در زمینه‌های مختلف رواج گرفت و مدارس چون نظامیه و مستنصریه از هجوم طلاب مملو از جمعیت شد و حکما و فلاسفه و پزشکان ماهری که نظیرشان هرگز در دنیا دیده نشده بود در جهان اسلام ظهور کردند.^۲ روزنامه همه این شکوفایی‌های علمی را ناشی از آزادی در زمینه‌های مختلف می‌داند که منتهی به پیشرفت جوامع اسلامی شد.

حبل‌المتین به منظور بیان منافی که از رهگذر حفظ حقوق اقلیت‌های دینی عاید ایران می‌شود بدین نکته اشاره می‌کند که بهتر است ایران هر چه زودتر به تمام دنیا برابری تمام نژادها و شکل‌های مختلف مذاهب در مقابل قانون را اعلام نماید و تصریح کند که با تمام مذاهب و طوایف با عدل و انصاف برخورد خواهد شد. از سوی دیگر، این قانون مساوات

۱. همان، س. ۱، ش. ۱۴۷، ص. ۲، «روحش کار می‌کند».

۲. همان، ص. ۳.

گفتمان اصلاح معرفت دینی در عصر مشروطه (مطالعه‌ی موردی: روزنامه حبل‌المتین | ۱۴۹

را باید به تمام زبان‌ها اعلان کرد تا همه از سنی و شیعه و یهودی و کلدانی و یونانی و عرب و ارمنی و تمام طوائف ایرانی و غیرایرانی به خصوص در ممالک همسایه‌ی ایران بفهمند که قانون ایران چنین است و اسباب راحتی و آسایش رعایای خارجه که در ایران اقامت دارند نیز فراهم است و آنان نیز اگر رعیت ایران شوند مشمول تمامی حقوق و امتیازات مردم خواهند بود.^۱

نتیجه‌گیری

جذب عناصر فرهنگی تمدن غربی طی یک فرآیند فرهنگ‌پذیری که از عصر قاجار جلوه‌ی بارزی پیدا کرد زمینه‌ساز درونی شدن مفاهیم و دستگاه‌های اندیشه‌ی غربی نزد اذهان دسته‌ای از نخبگان جامعه ایران شد. پیامد این فرهنگ‌پذیری تبدیل شدن نسبت سنت و تجدد به یک دشواره بود که خود زمینه‌ساز صورت‌بندی گفتمان‌های سنت‌گرا، تجددگرا و اصلاح معرفت دینی شد. این گفتمان‌ها کوشیدند با پرکتیس‌های گفتمانی خود حضور فعالی در صحنه‌ی کشمکش‌های گفتمانی جامعه داشته باشند و سهم خود را از قدرت و تعیین کنش‌های اجتماعی به دست بیاورند. بازتولید این نقش در جامعه‌ی کنونی ایران ایجاب‌کننده‌ی طرح بحث در بازاندیشی شاخصه‌های گفتمان‌های مزبور است. مقاله‌ی حاضر با تلاش در بازشناسی شاخصه‌های گفتمان اصلاح معرفت دینی سعی کرد پاسخی بدین ضرورت بدهد. بدین منظور کوشش شد تا روزنامه‌ی *حبل‌المتین* تهران را به‌مثابه‌ی یکی از کاربران گفتمان اصلاح معرفت دینی مورد بررسی قرار دهیم. نتیجه‌ی بازشناسی شاخصه‌های گفتمان اصلاح معرفت دینی در روزنامه‌ی *حبل‌المتین* تهران آن بود که مؤلفه‌های بافتار تاریخی مشروطه همچون ورود اندیشه‌های جدید، استبداد، استعمار، به نتیجه نرسیدن اصلاحات سیاسی و اجتماعی و... مناسبات «شریعت و تجدد» را به گره‌گاهی مبدل کرد که گفتمان اصلاح معرفت دینی حول آن مفصل‌بندی شد. احیای آموزه‌های قرآن، بازگشت به اسلام اصیل، ضرورت وحدت مسلمانان، بازتعریف نهاد روحانیت و رعایت حقوق اهل ذمه مهم‌ترین شاخصه‌هایی بود که گفتمان اصلاح معرفت

۱. همان، س. ۱، ش. ۱۴۳، ص. ۲، «نواقص پارلمان».

۱۵۰ | مطالعات تاریخ فرهنگی، شماره ۳۱ |

دینی حول محور گره‌گاه «مناسبات شریعت و تجدد» مفصل‌بندی کرد. روزنامه‌ی *حبل‌المتین* این مهم را از طریق کنش بیناگفتمانی جذب عناصر گفتمان‌های سنت‌گرا و تجددخواه محقق ساخت.

منابع و مآخذ

- الجمال، (۱۳۲۵-۱۳۲۶)، ش. ۱، ۲، ۳، ۶، ۹، ۱۲، ۲۳، ۲۶، ۳۰، ۳۲.
- حبل‌المتین تهران، (۱۳۲۶-۱۳۲۵)، س. ۱، ش. ۲، ۶، ۱۶، ۵۹، ۸۳، ۹۱، ۹۳، ۱۰۴، ۱۱۳، ۱۱۴، ۱۴۳، ۱۴۷، ۱۵۴، ۱۵۵، ۱۶۱، ۱۶۲، ۱۸۴، ۱۹۲، ۱۹۷، ۲۱۴، ۲۳۸، ۲۶۲، ۲۶۵، س. ۲، ش. ۱.
- راوندی، مرتضی، (۱۳۷۸)، *تاریخ اجتماعی ایران*، ج. ۲، تهران: نگاه.
- روح القدس، (۱۳۲۶)، ش. ۳، ۴، ۷، ۱۸، ۱۹، ۲۸.
- رهبری، مهدی، «روحانیت، انقلاب مشروطه و ستیز میان سنت و تجدد»، *دانش سیاسی*، س. ۴، ش. ۱، بهار و تابستان ۱۳۸۷، صص. ۹۵-۱۲۲.
- شیرخانی، علی، و رجائی‌نژاد، محمد، «درآمدی بر رابطه سنت و تجدد در اندیشه و عمل امام خمینی»، *مطالعات سیاسی*، ش. ۲۸، تابستان ۱۳۹۴، صص. ۹۵-۱۱۶.
- صدرهاشمی، محمد، (۱۳۶۳)، *تاریخ جراید و مجلات ایران*، اصفهان: کمال.
- عنایت، حمید، (۱۳۷۲)، *اندیشه‌ی سیاسی در اسلام معاصر*، ترجمه بهاء‌الدین خرماشاهی، تهران: خوارزمی.
- قادری، حاتم، (۱۳۸۲)، *تاریخ اندیشه سیاسی در اسلام و ایران*، تهران: سمت.
- قهرمانی، مریم، (۱۳۹۲)، *ترجمه و تحلیل انتقادی گفتمان: رویکرد نشانه‌شناختی*، تهران: مؤلف.
- کسروی، احمد، (۱۳۶۳)، *تاریخ مشروطه ایران*، تهران: امیرکبیر.
- کهن، گوئل، (۱۳۶۳)، *تاریخ سانسور در مطبوعات ایران*، ج. ۱، تهران: آگاه.
- مک‌کارتی، ای. دی.، (۱۳۸۸)، *معرفت به مثابه‌ی فرهنگ*، ترجمه کمال خالقی‌پناه و دیگران، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- هال، استیوئرت، (۱۳۹۱)، *معنا، فرهنگ و زندگی اجتماعی*، ترجمه احمد گل‌محمدی، تهران: نی.
- یارمحمدی، لطف‌الله، (۱۳۸۳)، *گفتمان‌شناسی رایج و انتقادی*، تهران: هرمس.
- یورگنسن، ماریا، و فیلیس، لوئیز، (۱۳۹۲)، *نظریه و روش در تحلیل گفتمان*، ترجمه هادی جلیلی، تهران: نی.
- Kramsch, Claire, (1998), *Language and Culture*, New York: Oxford University Press.